



«چالش‌های وهابیت (ایران، جهان اسلام و غرب)» منتشر شد / زوایای پنهان روابط وهابیت با اسرائیل

کتاب «چالش‌های وهابیت (ایران، جهان اسلام و غرب)» ضمن شناسایی چالش‌هایی که از سوی وهابیت متوجه کشورهای غربی، جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی است، درصدد به دست دادن راهکارهای عملی در این زمینه است.

کتاب «چالش‌های وهابیت (ایران، جهان اسلام و غرب)» ضمن شناسایی چالش‌هایی که از سوی وهابیت متوجه کشورهای غربی، جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی است، درصدد به دست دادن راهکارهای عملی در این زمینه است.

به گزارش خبرگزاری مهر، در نوشتار حاضر، چالش‌های وهابیت در سه سطح تحلیل جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام (کشورهای مسلمان و مناطق مسلمان‌نشین خودمختار یا نیمه‌مستقل در کشورهای غیراسلامی) و کشورهای غربی دسته‌بندی شده‌اند. چالش‌هایی نیز که از سوی فرقه انحرافی وهابیت متوجه این سه سطح تحلیل است، در سه بخش و از سه منظر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت: الف. چالش‌های فرهنگی - اجتماعی؛ ب. چالش‌های سیاسی؛ ج. چالش‌های امنیتی.

هدف کتاب حاضر، تجزیه و تحلیل خطرات و چالش‌های وهابیت برای جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام و کشورهای غربی و تعیین راهکارهای مقابله با آن است؛ می‌باشد که با تفکیک چالش‌های وهابیت به چالش‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و امنیتی، این هدف به 9 بخش قابل تقسیم است: بررسی سه چالش فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و امنیتی وهابیت برای سه سطح تحلیل جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام و کشورهای غربی.

با توجه به هدف نوشتار حاضر، محور اصلی و مسئله اساسی نیز عبارت است از اینکه «چگونه خطرات و چالش‌هایی از سوی وهابیت متوجه جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام و کشورهای غربی بوده و راهکارهای مقابله با آن کدام است؟» با تفکیک چالش‌های وهابیت به چالش‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و امنیتی، سؤال اصلی نیز همچون هدف، به 9 بخش تقسیم می‌گردد: خطرات و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و امنیتی وهابیت برای جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام و کشورهای غربی کدام است و راهکارهای مقابله با آن چیست؟

در عرصه فرهنگی و اجتماعی، علاوه بر خطرات مستقیم فرهنگی و اجتماعی ناشی از جریان وهابیت، جنگ نرم غرب علیه امت اسلام از طریق سربازگیری از جریان وهابیت و به کارگیری آنان به عنوان پیاده نظام نیز دنبال می‌شود. راهکار مقابله با این چالش، بهره‌گیری از مبانی قدرت نرم موجود در اسلام و به ویژه کشورهای مهم اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران و استفاده از شاخص‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در مقابله با جنگ نرم وهابیت است.

در عرصه سیاسی، در راستای سیاست فرقه‌سازی غرب در جهان اسلام، بهائیت نیز هم‌زمان با وهابیت در ایران به وجود آمد. بر همین اساس، یکی از دلایل اصلی رشد وهابیت، سیاست انگلیس است که برای اختلاف افکنی بین مسلمانان و برای مقابله با حکومت

عثمانی، که تقریباً نفوذش کشورهای اسلامی را در برگرفته بود، به وجود آمد. در دوران جنگ سرد نیز مقامات آمریکایی وهابی‌گری را سدی در برابر کمونیسم و - پس از انقلاب ۱۹۷۹ در ایران - نهضت امام خمینی(ره) در ایران می‌پنداشتند تا اینکه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن خطر کمونیسم برای اروپا، ایالات متحده جهت حفظ برتری خود در جهان غرب و تعمیم آن به سایر نقاط، با تدوین نظریه‌هایی چون ستیز تمدن‌ها، اسلام را جایگزین خطر سرخ کرد و در این راه از افراط‌گری‌های وهابیون به عنوان نشانه‌ای روشن برای ادعای خود سود جست.

وهابیت همچنین به‌عنوان جریان انشعابی و منحرف در دنیای اسلام، سبب به وجود آمدن ذهنیت‌های منفی علیه دین مبین اسلام شده است. این فرقه داعیه بازگشت به اسلام اصیل را دارد، اما عملکردش یادآور دوران جاهلیت است و چهره اسلام رحمانی را نزد افکار عمومی جهان به نوعی خشن جلوه داده است که تاکنون دشمنان نیز بدان توفیق نیافته‌اند. در این زمینه، تعامل مذاهب اسلامی و تقابل با وهابیت تکفیری باید مورد توجه قرار گیرد و به‌صورت هدفمند دنبال شود. از سوی دیگر، برخی از وهابی‌ها و دولت‌مردان سعودی، معتدل و میانه رو هستند و معتقد به تعصبات وهابیون نبوده و از سیاست‌های تکفیری آنها حمایت نمی‌کنند که باید ضمن معرفی دیدگاه‌ها و فتوایی از این دست، زمینه فعالیت وهابیون متعصب را تنگ‌تر کرد.

در عرصه امنیتی نیز افشای نقش راهبردی آمریکا در استفاده از افکار افراطی وهابیون برای ایجاد گروه تروریستی القاعده، نشان داد که پایه‌های اعتقادی تندروهای به‌ظاهر اسلامی که منشأ سیاسی - فکری‌شان در چارچوب حکومت‌های عربی چون عربستان سعودی تعریف می‌شود، تا چه میزان می‌تواند برای امنیت کشورهای منطقه، جهان اسلام و حتی جهان غرب خطرآفرین باشد. اگرچه حملات تروریستی 11 سپتامبر علیه منافع آمریکا رخ داد، اما پیامدهای مصیبت‌بار آن برای جهان اسلام، همچون کشتار مسلمانان بی‌دفاع و اشغال دو کشور اسلامی افغانستان و عراق و فشار بر مسلمانان ساکن در غرب، بسیار بیشتر از ضربه‌ای بود که به غرب وارد شد.

حال چنانچه این نتایج را در کنار ارتباط تنگاتنگ سران وهابی حکومت سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی با سردمداران کاخ سفید قرار دهیم، با یک پیوند عمیق فکری - سیاسی بین وهابیون و نومحافظه‌کاران آمریکایی مواجه می‌شویم که اگرچه اکنون ظاهراً کنترل کاخ سفید را در دست ندارند، اما اهداف بلندمدت آنها همواره در تدوین راهبردهای کلان این کشور مد نظر بوده و خواهد بود. بر این اساس، اگر صهیونیسم را منشأ نامنی جهان اسلام به‌عنوان رأس یک مثلث فرض کنیم و از طرفی ایالات متحده و سرسپردگی رهبران به منافع و سیاست‌های صهیونیسم را در کنار تعلقات خاص سران کشورهای غربی به رژیم صهیونیستی، ضلع دیگر آن در نظر بگیریم، آنچه باعث تکمیل ضلع سوم این مثلث شده است، نقش و عمل سران و حاکمان وهابی برخی کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی از سیاست‌های آنها برای تحقق اهدافشان است.

آنچه در این بحث حائز اهمیت است، ارتباطات پیدا و پنهانی است که بین منابع ثروت و قدرت غربی یعنی آمریکا و کشورهای غربی و صهیونیسم بین الملل، با شیوخ وهابی وجود دارد. در این رابطه، می‌توان ضمن معرفی زوایای پنهان روابط وهابیت با رژیم اشغال‌گر قدس و حامیان غربی آن، زمینه‌ساز تبلیغ و ترویج گفتمان عدالت‌محوری در سطح جهان اسلام شد، تا آن بخش مهمی از خشونت‌های فرقه‌ای و تروریسم که با فقر و مشکلات اقتصادی در رابطه است را کاهش داد. علاوه بر این، با برشمردن ابعاد و زوایای خطرانی که از جانب وهابیت متوجه کشورهای غربی و کل نظام بین‌الملل بوده و نیز تنویر افکار عمومی غربی در خصوص همراهی سرویس‌های اطلاعاتی و سران کشورهای غربی با جریان‌های وهابی‌گری و جنبش‌های تروریستی سلفی، می‌توان تا حد زیادی مانع از بهره‌گیری وهابیت از ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی شد که تاکنون از سوی کشورهای غربی در اختیار آن قرار می‌گرفت. در صورت تحقق این امر، می‌توان از چالش‌های امنیتی ناشی از وهابیت برای جهان اسلام تا حد زیادی کاست.

نوشتار حاضر ضمن شناسایی چالش‌هایی که از سوی وهابیت متوجه کشورهای غربی، جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی است،

در صدد به دست دادن راهکارهای عملی در این زمینه است. بنابراین کتاب پیش رو، بر چالش‌های فرهنگی، سیاسی و امنیتی وهابیت متمرکز بوده و به مسائل تاریخی (از جمله زمینه‌های پیدایش وهابیت) یا اعتقادی، تنها در حد ضرورت پرداخته شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش اما با توجه به هدف اصلی آن، بسیار وسیع بوده و کشورهای زیادی را شامل می‌شود. اما از آنجا که به جز جمهوری اسلامی ایران، سایر بازیگران به دو دسته کشورهای اسلامی و غربی تقسیم شده اند و اعضای هر دسته مشابهت‌های زیادی با یکدیگر داشته و خطرات تقریباً یکسانی را از جانب وهابیت احساس می‌کنند، ازدیاد کشورهای مورد مطالعه، خللی به یافته‌ها و نتایج تحقیق وارد نمی‌سازد.

کما اینکه با توجه به تفاوت‌های موجود در کشورهای مسلمان از لحاظ فرقه‌ای و قرار گرفتن در مناطق جغرافیایی مختلف و نیز میزان نفوذی که وهابیت در آنها دارد، فعالیت‌های این فرقه در حدود 20 کشور و منطقه به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. محدوده موضوعی تحقیق نیز شامل حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. محدوده زمانی پژوهش، تاریخ معاصر وهابیت را در بر می‌گیرد و عمده توجه آن به چالش‌های ناشی از این فرقه در 34 سال اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. با این وجود، در بخش وهابی‌شناسی، پژوهش حاضر گریزی به ریشه‌های شکل‌گیری وهابی‌گری در حدود 300 سال پیش و شرایط سیاسی آن دوران داشته است.

نوع تحقیق طی این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. علاوه بر این، جهت تکمیل قوه فهم فردی و بهره‌گیری از تجربیات اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه وهابی پژوهی، بر اساس روش‌شناسی اسنادی و نقلی، برخی اطلاعات لازم از طریق مطالعه منابع دست اول شامل آثار رهبران و پیشوایان جنبش وهابیت، سیاست‌های اعلانی و اعمالی حکومت عربستان سعودی، مشاهده اعمال و رفتار وهابیون و دولت آل سعود، مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای مسئولان ذی‌ربط و سایر اسناد و مدارک مربوط و منابع دست دوم شامل کتب، مقالات، منابع اینترنتی و تحلیل‌ها به دست آمده و سعی شده است تا از معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و توصیفی مراکز مطالعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده شود. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش مشاهده، مصاحبه و منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای با تکیه بر داده‌های عینی - تاریخی جمع‌آوری شده‌اند.

کتاب #171: چالش‌های وهابیت (ایران، جهان اسلام و غرب)؛ تألیف حسین هرسیج و مجتبی تویسرکانی به همت انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در سال 1392 منتشر شد.